

پاسخی به رفقای "اقلیت"

برخورد سازمانهای سیاسی مختلف با انتخابات دوم خرداد محکی بود برای سنجش مواضع این سازمانها در بستر یک واقعیت زنده. بر این اساس در مقاله (معجزه در جمهوری اسلامی "اعمال اراده آزاد توده ها در شرایط دیکتاتوری!!") مندرج در شماره های ۱۵ و ۱۶ "پیام فدایی" تلاش شد تا ضمن بررسی و تحلیل این رویداد، کذب ادعاهای جمهوری اسلامی در این زمینه نشان داده شود و در همان حال روشن گردد که چگونه در جریان این انتخابات برخی از سازمانها و جریانات سیاسی با تحلیل ها و ارزیابی های انحرافی خود آب به آسیاب ماشین تبلیغاتی رژیم ریختند.

یکی از جریاناتی که در این مقاله مورد اشاره قرار گرفته است سازمان فدائیان - اقلیت میباشد. اما دوستان اقلیتی برخورد این مقاله با نظراتشان را نادرست دانسته و با درج مطلبی تحت عنوان "در پاسخ به بهانه جویی دوستان" (کار شماره ۳۰۹، دی ۷۶) تلاش نموده اند تا به انتقاداتی که از طرف ما به نظراتشان شده است باصطلاح پاسخ گویند.

"اقلیت" جهت اثبات درستی نظر خود قبل از هر چیز اینطور جلوه میدهد که گویا نظرات او بدرستی فهمیده نشده و نویسنده مقاله مندرج در "پیام فدایی" با استناد به یک "نقل قول ابتر" و آوردن یک "نیم جمله" از مقاله این سازمان، نظرات "اقلیت" را تحریف نموده و به "نتایج نامربوط" و "دلخواهی" خویش رسیده است. همچنین ادعا شده است که در شرایطی که "اقلیت" در مورد یک واقعه مشخص صحبت میکرده نویسنده مقاله "پیام فدایی" این "شرایط معین" را به حالت عام بسط داده و به این ترتیب دست به استنتاج نادرستی زده است.

با توجه به چنین ادعاهایی بدون شک منطقی ترین راه برای دستیابی به حقیقت اینست که ابتدا ببینیم در مقاله مندرج در "پیام فدایی" نظرات دوستان اقلیتی چگونه بازگو شده و سپس با رجوع به خود مقالات این دوستان مندرج در نشریه "کار" روشن سازیم که آیا آنچه در "پیام فدایی" آمده بیانگر جوهر تفکر "اقلیت" در این زمینه بوده یا آنطور که "اقلیت" ادعا میکند ناشی از "بهانه جویی دوستان" میباشد!!؟

در مقاله "معجزه در جمهوری اسلامی" مندرج در "پیام فدایی" در برخورد به نظر "اقلیت" چنین آمده است که از نظر آنها "جمهوری اسلامی برای مردم ایران حق انتخاب بد و بدتر" را پذیرفته است. روشن است که با قید این مطلب به مثابه جوهر تفکر "اقلیت" در رابطه با انتخابات ریاست جمهوری این نتیجه حاصل

میشود که از نظر "اقلیت" در جمهوری اسلامی به مردم حق داده میشود تا بین کاندیداهای مختلف رژیم یکی را انتخاب نمایند.

متأسفانه دوستان اقلیتی ما به جای توجه به مفهوم آنچه واقعاً گفته اند و استنتاج های منطقی حاصل از گفته های خودشان با "حاشیه رویهای بی مورد" تلاش نموده اند که ضمن طفره رفتن از پاسخگویی به مساله اصلی، نقل قول فوق را "ابتز" و "ناقص" جلوه داده و نویسنده مقاله مزبور را به تحریف نظر ایشان متهم سازند.

جهت روشن تر شدن موضوع لازم است به کل جمله اقلیت که در کار شماره ۳۰۲ درج شده است مراجعه نماییم تا روشن شود که نه تنها در نقل و نقد نظرات "اقلیت" تحریفی صورت نگرفته بلکه بر عکس تلاش شده تا جوهر نظرات این جریان بدرستی طرح و سپس نقد گردد.

در نشریه کار شماره ۳۰۲ آمده است: "تحت چنین وضعیتی از توازن قوا، جناح رقیب چاره ای جز این نداشت که رقابت را بپذیرد و شورای نگهبان بر صلاحیت نامزد این ائتلاف مهر تائید بزند. در حقیقت از اینجا بود که رژیم جمهوری اسلامی برای مردم ایران حق انتخاب میان بد و بدتر را پذیرفت و مردم دقیقاً در مخالفت با جناح خامنه ای و جناح روحانیت بود که به سمت انتخاب بد و بدتر گام برداشتند. آنها در انتخابات شرکت کردند و آرای خود را به خاتمی دادند تا ناطق نوری انتخاب نشود".

نگاهی به جملات بالا که بدون شک دوستان اقلیتی نمیتوانند آن را یک "نیم جمله" و یا نقل قول "نیم خطی" و "ناقص" جلوه دهند روشن میسازد که از نظر "اقلیت" در جریان انتخابات دوم خرداد رژیم جمهوری اسلامی برای مردم ایران حق انتخاب بین کاندیداهای تائید شده و یا به قول "اقلیت" انتخاب میان بد و بدتر را پذیرفت. (۱) پس تا اینجا نظرات رفقا بدرستی نقل شده و "ابتز" و "نیم خطی" بودن نقل قول ما ایرادی در کار بوجود نیاورده است بلکه همانطور که قبلاً ذکر شده اشکال در تفکری است که به هر دلیل بر این باور است که زیر سلطه دیکتاتوری حاکم بر ایران به مردم حق داده شد تا بین کاندیداهایی که رژیم تائید و معرفی نمود یکی را انتخاب کند.

از نظر ما همین تفکر "بی مایه" است که در تعارض با واقعیت قرار دارد. در طول ۱۹ سال حاکمیت جمهوری اسلامی واقعیت به عینه نشان داده است که دیکتاتوری بورژوازی وابسته هیچ ارزشی برای رأی و نظر مردم قائل نیست و

(۱) * بحث ما در اینجا بر سر حق انتخاب مردم بین کاندیداهای تائید شده از سوی رژیم و یا به قول "اقلیت" انتخاب بین "بد و بدتر" میباشد و به این امر نمیپردازیم که چه کسی بد است و چه کسی بدتر و یا اینکه چرا جمهوری اسلامی به این حق تن داده است و یا حتی چرا تعدادی از شرکت کنندگان در انتخابات دوم خرداد در این انتخابات مشخص به خاتمی رأی داده و یا خاتمی را بر ناطق نوری ترجیح داده اند.

رژیم جمهوری اسلامی اساساً جهت سرکوب همین رأی و نظر است که تا بن دندان مسلح شده و هر ندایی را با گلوله پاسخ میدهد. بر این اساس است که ما همواره تاکید کرده و میکنیم که اگر کسی کمترین شناختی از استبداد حاکم بر ایران داشته باشد باید بداند که در سیستم انتخاباتی این رژیم مستبد تا کنون در هیچ موردی به مردم حق انتخاب داده نشده است و پیروزی کاندیداهای مختلف در انتخابات های این رژیم نه حاصل آرای مردم بلکه نتیجه مصلحت های سردمداران جمهوری اسلامی جهت حفظ نظام حاکم بوده و میباشد.

اختلاف روشن است ما میگوئیم زیر سلطه دیکتاتوری حاکم بر ایران و در چهارچوب سیستم انتخاباتی رژیم "ولایت مطلقه فقیه" حق انتخاب از مردم ایران سلب گردیده و این امر تاکنون استثنایی هم نداشته است ولی "اقلیت" (صرفنظر از همه ضد و نقیض گویی هایش در رابطه با انتخابات رژیم) مدعی است که در انتخابات دوم خرداد رژیم جمهوری اسلامی برای مردم ایران حق انتخاب بین بد و بدتر را "پذیرفت".

اقلیت ضمن "تلاش بیهوده" در توجیه این ایده نادرست و "بی مایه" ای که همه واقعیات بر علیه آن است، در ادامه مقاله خود ادعا نموده که از نظر آنها "حق انتخاب" تنها در انتخابات مشخص دوم خرداد و بدلیل شرایط ویژه این انتخابات به مردم داده شد. برای اینکه دوباره متهم به استناد به "نقل قول نیم خطی" از طرف دوستان اقلیتی نشویم مجبوریم که تمام نقل قول رفقا در این زمینه را در اینجا نقل نماییم. "هر کسی این موضوع را میفهمد که اگر گفته شده است جمهوری اسلامی تحت شرایط معینی برای مردم ایران حق انتخاب میان بد و بدتر را پذیرفت، منظور آن است که تحت همان شرایط معین عملی واقع شده و تمام شده است. شگفتا که انسان در پاسخ به بهانه جویی دوستان خویش نیز گاه مجبور است به عرصه دستور زبان فارسی هم وارد شود - دوستان ما نیز یقیناً متوجه هستند که فعل پذیرفت فرق میکند با "پذیرفته است" که ایشان نقل کرده اند."

بدون آنکه لازم باشد وارد بحث مربوط به ماضی مطلق و ماضی نقلی و اینکه ما چه نوشته بودیم و غیره بشویم که ممکن است به انحراف بحث بیانجامد با تاکید بر این امر که از نظر "اقلیت" حق انتخاب بین بد و بدتر در شرایط معینی که در جریان انتخابات دوم خرداد پیش آمد و منطقاً هم از قبل قابل پیش بینی نبود به مردم داده شد باید به تحلیلهای اقلیت در رابطه با انتخابات رژیم که قبل از انتخابات دوم خرداد در نشریه "کار" درج شده است مراجعه نمائیم. در اینجا متوجه خواهیم شد که دوستان اقلیتی ما فراموش کرده اند که در فروردین ماه یعنی دو ماه قبل از انتخابات ریاست جمهوری و زمانی که آنها مبلغ احتمال پیروزی ناطق نوری بودند و هنوز "شرایط مشخص" "دوم خرداد" پیش نیامده و "واقع" نشده بود مدعی شده بودند که در جمهوری اسلامی "این حق به مردم داده میشود که از میان "کاندیداها

یکی را "انتخاب کنند". با پوزش از خوانندگان "پیام فدایی" "مجبوریم" تمام مطالبی را که "اقلیت" در این زمینه گفته است را علیرغم طولانی بودن آن در اینجا نقل نمایم تا جای هیچ اما و اگر باقی نماند. بار دیگر لازم است توجه تان را به این نکته جلب کنیم که سخنان زیر در فروردین ماه و در نشریه "کار" شماره ۳۰۰ درج شده است. در سرمقاله تحت عنوان "بازی انتخابات" آمده است: "البته نیاز به گفتن نیست، تا آنجا که کاندیداها مورد تأیید "رهبری" اند و دستگاههای مختلف تفتیش و جاسوسی، تحمیق و سرکوب صلاحیت آنها را مورد تأیید قرار داده اند، این حق به مردم داده میشود که از میان آنها یکی را انتخاب کنند".

مطالعه نقل قول بالا با توجه به زمان مطرح شدنش با وضوح تمام نشان میدهد که مساله حق انتخاب بین کاندیداهای رژیم و یا انتخاب بین بد و بدتر امری نیست که از نظر "اقلیت" بدلیل شرایط مشخص انتخابات دوم خرداد طرح شده باشد بلکه ابراز چنین نظری بیانگر دیدگاهی است که "اقلیت" از قبل داشته و آنرا تبلیغ میکرده است. اینکه اکنون چه مصلحت هایی "اقلیت" را وا داشته به جای دفاع از دیدگاه خود به کتمان آن برخیزد البته امری است که بهتر است خود دوستان اقلیتی ما پاسخگوی آن باشند. در ضمن از آنجا که دوستان اقلیتی ما آنچه را که در فروردین ماه گفته اند و در دی ماه و در پاسخ به مقاله ما به فراموشی سپرده اند لازم است به آنها یادآوری کنیم که به جای اینکه دیگران را به مطالعه نشریاتشان دعوت نمایند حداقل خودشان نشریات خودشان را مطالعه نمایند تا موقع نوشتن مقاله جدیدی به خاطر داشته باشند که قبلاً چه گفته بوده اند و دیگر دچار چنین فراموشی نگردند. اگر آنها چنین کنند آنگاه دیگر در جهت لاپوشانی جوهر تفکرشان نیازی به توسل به "دستور زبان فارسی" و بازی با زمان افعال نخواهند داشت. در هر حال بهتر است این دوستان از مانور بین عام و خاص و شرایط مشخص و کلی دست برداشته و به خاطر داشته باشند که توسل به چنین تاکتیکهایی به هیچ وجه کمکی به اصلاح دیدگاههای نادرستشان نمیکند.

در خاتمه ضروری است توجه رفقا را به دو نکته جلب کنیم:

۱- در پاسخی که "اقلیت" به مقاله مندرج در "پیام فدایی" نوشته است، بدلائل کاملاً قابل فهم حاشیه رویهای بی مورد زیادی شده است که ما از پرداختن به آنها خودداری کرده و رفقا را جهت آشنایی بیشتر با نظراتمان به مقالاتی که در این زمینه در "پیام فدایی" درج شده است رجوع میدهیم.

۲- مطالعه پاسخ رفقا نشان میدهد که متأسفانه آنها نه تنها نخواستند و یا نتوانسته اند از انتقاداتی که به آنها شده درس گرفته و در جهت اصلاح خود گام بردارند بلکه برعکس تلاش کرده اند با توسل به روشهایی که سترونی خود را در دامن زدن به یک مبارزه ایدئولوژیک واقعی به کرات به اثبات رسانده از پرداختن به مساله اصلی طفره روند.

بعنوان جمع‌بندی باید تاکید کنیم که از نظر ما مساله اصلی این است که آیا در سیستم انتخاباتی جمهوری اسلامی به مردم حق انتخاب بین کاندیداهای حکومتی داده میشود یا نه. ما معتقدیم که مردم ایران فاقد چنین حقی میباشند و انتخابات دوم خرداد نیز ناقض این قاعده نبوده است. ولی اگر یک سازمان سیاسی بپذیرد که زیر سلطه "ولایت مطلقه فقیه" چنین حقی به مردم داده شده است پس منطقاً باید بپذیرد که در اختلاف جناحهای مختلف هیات حاکمه و کاندیداهای این جناحها میزان، رأی مردم است که البته ادعای فریبکارانه ای است. حتی اگر اعطای چنان حقی محدود به انتخابات مشخص دوم خرداد شود در این صورت باز هم معتقدین به چنین نظری باید با صراحت اعلام نمایند که در انتخابات دوم خرداد خاتمی انتخاب مردم بود، نه انتصاب جمهوری اسلامی. در این صورت به چنین نیرویی با صراحت تمام باید گفت که پس از ۱۹ سال هنوز سیستم انتخاباتی جمهوری اسلامی را نشناخته و با چنین تحلیل هایی خاک به چشم مردم میپاشد.

پولاد
اسفند ۱۳۷۶